

به نقل از : پیام فدایی ، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

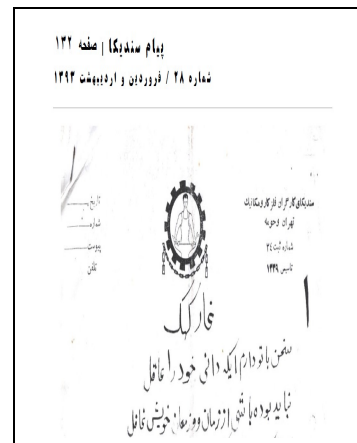
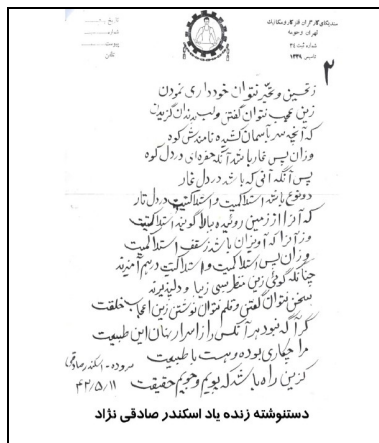
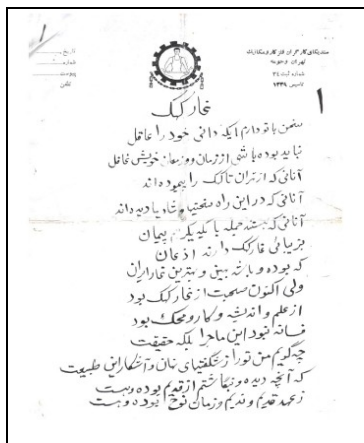
شماره ۱۸۰ ، خرداد ماه ۱۳۹۳

"کزین راه باشد که بویم و جویم حقیقت..."



بادی از کارگر کمونیست، فرمانده نظامی، چریک فدایی خلق رفیق اسکندر صادقی نژاد

نمونه های زیر، دست نوشته های چریک فدایی خلق، رفیق اسکندر صادقی نژاد می باشند که اخیرا به دست "پیام فدایی" رسیده و به این ترتیب انتشار می یابند.



در ۳ خرداد سال ۵۰، زندگی کوتاه ولی درخشان چریک فدایی خلق، کارگر پیشرو و فرمانده نظامی، رفیق اسکندر صادقی نژاد، در جریان یک نبرد حماسی در خیابان طاووسی تهران با مزدوران شاه به پایان رسید. در آن روز مردم ایران یکی دیگر از فرزندان کمونیست فدایی خود را از دست دادند اما خاطره و راه وی هم چنان در آتش مبارزات طبقه کارگر ایران و در هر جا که مبارزه بر علیه استثمار و سرکوب جاری ست طنین انداز است.

رفیق اسکندر صادقی نژاد در سال ۱۳۱۹ در خانواده ای کارگری به دنیا آمد. از چهارده سالگی به عنوان شاگرد تراشکار به کار مشغول شد و در هفده سالگی اولین اعتصاب را در محل کارش سازماندهی کرد. او به دلیل همین مبارزات کارگری، پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر شد و پس از آزادی، از محل کارش اخراج شد. رفیق اسکندر، کارگر میل لنگ تراش کارخانه "بندار" بود و بعد ها به عنوان کادر سندیکایی در صنف فلزکار - مکانیک فعالیت های قابل توجهی انجام داد و به همین دلیل هم به عنوان یکی از دبیران سندیکای کارگران فلزکار -

مکانیک انتخاب شد. رفیق اسکندر عضو گروه کوهنوردی سندیکا نیز بود و همین مسئله اسباب آشنایی او با برخی رفقای دیگر را نیز فراهم ساخت.

او طی نیمه دوم دهه چهل به همراه دیگر کارگران فلزکار مانند جلیل انفرادی به صف مبارزات ضد رژیم پیوستند و در شکل گیری گروه جنگل نقش ایفا نمودند. به دنبال رستاخیز سیاهکل و اعدام ۱۳ رزمنده فدایی کمونیست در ۲۶ اسفند سال ۴۹، رفقای باقی مانده تیمی شکل دادند که رفیق اسکندر فرمانده آن بود. همین تیم در ۱۸ فروردین ماه ۵۰، تیمسار فرسیو که حکم اعدام ۱۳ رزمنده سیاهکل را صادر کرده بود را به سزای خیانت ها و شقاوت های خود رساندند. تیمسار فرسیو مزدوری بود که رفقای سیاهکل را در دادگاه های در بسته نظامی محاکمه و حکم اعدام آنان را صادر کرده بود. این عملیات اعدام انقلابی تاثیر بسیار گسترده ای بر اقشار پیشرو جامعه داشت و شور و شوق بسیاری برانگیخت و ادامه حیات و تداوم فعالیت های گروه را به اطلاع همگان رساند. تا آن جا که دانشجویان دانشگاه های تهران در تظاهرات اردیبهشت ماه سال ۵۰ خود فریاد می زدند "فرسیو، مرگت مبارک!".

بعد از ادغام باقی مانده گروه جنگل با گروه رفیق احمد زاده و اعلام موجودیت چریک های فدائی خلق، رفیق اسکندر در مرکزیت این گروه قرار گرفت و فرماندهی تیمی بر عهده اش گذاشته شد که عملیات مصادره انقلابی بانک ملی خیابان آيينهاور (آزادی کنونی) را در اردیبهشت ۱۳۵۰ سازمان داد. در جریان این عملیات که با موفقیت انجام شد، رفیق امير پرويز پويان به سخنرانی و روشننگری در باره اهداف چریک های فدائی خلق پرداخت. رفیق اسکندر صادقی نژاد در آخرین درگیری قبل از جان باختنش به دست مزدوران شاه، حماسه دیگری آفرید. بدنبال محاصره محل خانه ای که رفقا کرایه کرده و در صدد اسباب کشی به آن بودند، در حالی که در پناه آتش رفیق اسکندر، دو رفیق دیگر موفق به گریز از صحنه شدند، وی با گلوله پاسداران سرمایه جان باخت و نامش برای همیشه در دل توده ها جاودان شد.